تبیین زمان وقوع قیام توّابین و رفع اختلاف منابع تاریخی

دکتر محمد مهدی مرادی خلج استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

چکیده

در مورد سال و ماه و حکومت همزمان با وقوع قیام تـوابین، در منـابع نخـستین تـاریخ اسـلام، اقـوال مختلف بلـکه متضادی ذکر شده که مجمـوعاً شـامل هفت قول است. و گاه در یک منبـع، در ذکـر زمـان حوادث مربوط به توابین، تاریخ‌هایی بیان شده‌است که با یکدیگر ناسازگارند. نویسندهٔ مقاله توانسته است بـا مقایسهٔ زمان‌های بدست داده شده در منابع متقدم و استفاده از شواهد تـاریخی و نیـز بهـره‌گیـری از نقـشهٔ مسیر حرکت توابین و همچنین با محاسبهٔ مسافت طی شده توسط توابین براساس منازلی که از کتـاب‌هـای جغرافیای تاریخی به‌دست آمده‌است و مقایسهٔ آن با مصاف‌های جنگی هم‌مسیر آنها نظیر جنگ صـفین، در فاصلهٔ نزدیک به سی سال قبل از حادثهٔ توابین، به این نتیجه برسد که حادثهٔ نبرد توابین با سـپاه شـام، بـه سرکردگی عبیدالله‌بن زیاد، در جمادی‌الأولی سال ۶۵ هـ ق. و در زمان حکومت مروان رخ داده‌است و دیگر تاریخ‌های ذکر شده بی اعتبار هستند. این پژوهش با استناد بـه منـابع تـاریخی و روش کتابخانـه‌ای انجـام گرفته است.

واژگان کلیدی: توابین، عین‌الورده، مروان، عبدالملک مروان، سلیمان‌بن‌صرد.

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۴

E-mail: Mkhalaj@shirazu.ac.ir

مقدمه

دربارهٔ زمان وقوع قیام توابین که به خونخواهی امام حسین (ع) صورت گرفت و منجر به جنگ میان آنها و سپاه اعزامی شام به سرکردگی عبیدالله‌بن‌زیاد در محل عین‌الورده شد؛ منابع متقدم تاریخ اسلام، اطلاعات متفاوتی در مورد خلیفهٔ عصر حادثه و زمان وقوع جنگ عین الورده بدست داده اند. نگارنده درصدد است که با واکاوی داده‌های تاریخی از طریق مقایسهٔ زمان‌های ذکر شدهٔ این حوادث در منابع اولیهٔ تاریخ اسلام و سنجش میزان سازگاری آنها و با بهره‌گیری از شواهد تاریخی، به گزینش یکی از اقوال بپردازد و با دلیل اثبات کند که چرا گزینش مزبور را صحیح می‌داند.

در منابع یاد شده، درباره زمان رخداد حادثهٔ توابین، اقوالی همچون: عصر مروان، عصرعبدالملک بن مروان، سال ۶۵، ربیع‌الآخر سال ۶۵، هشت روز مانده از جمادی‌الأولی سال ۶۵، ۴ روز مانده از جمادی‌الأولی ۶۵ و سال ۶۶، آمده‌است.

گزارش‌های منابع متقدم تاریخ اسلام

از مؤلفان منابع متقدم تاریخی، زبیربن‌بکار (متوفی ۲۵۶هـ ق.) در الموفقیات؛ ابن‌قتیبه دینوری (متوفی حدود ۲۷۶هـ ق.) در الأمامه و السیاسه؛ ابوحنیفه دینوری (متوفی حدود ۲-۲۸۱یا۲۹۰هـ ق.) در اخبار الطوال و مقدسی (متوفی بعد از ۳۵۵هـ ق.) در البدء و التاریخ دربارهٔ حادثه توابین هیچ گزارشی به‌دست نمی‌دهند. آن دسته از مورخان متقدم که در آثار خود گزارشی از واقعهٔ مزبور آورده اند، به شرح زیرند:

یعقوبی (متوفی پس از ۲۹۲ هـ ق.) در جلد دوم تاریخ خود، به اختصار و در چند سطر حادثهٔ توابین را ذیل حکومت مروان‌بن حکم بازتاب داده‌است. او می‌نویسد: «سلیمان‌بن صردخزاعی و مسیب‌بن نجبه فزاری قیام کردند .... پس مروان، عبیدالله‌بن زیاد را بر سر ایشان فرستاد و گفت: «اگر بر عراق دست یافتی، امیر آن باش». عبیدالله با سلیمان بن صرد روبرو شد و با او جنگید تا او را کشت و گفته شده که سلیمان در دوران مروان کشته نشد؛ بلکه در زمان عبدالملک کشته شد» (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱۷۳/۲).

مسعودی (۳۴۵-۲۸۰ هـ ق.) در دو اثر بجا ماندهٔ خود، به حادثهٔ توابین پرداخته است. او در جلد سوم کتاب مروج‌الذهب و معادن الجوهر، پس از ذکر ایام عبدالملک بن مروان تحت عنوان: «ذکر جمل من افعاله و سیره و لمع مما کان فی ایامه و نوادر من اخباره» (مسعودی،۱۴۰۴، مروج‌الذهب: ۹۲/۳)؛ برخی از افعال و سیره عبدالملک مروان و نکته هایی از ایام و نوادری از اخبار دوران او به حادثهٔ توابین

تحت عنوان: حرکه للشیعه (همان: ۹۳) در حدود چهار صفحه، پرداخته‌است. او بدون اینکه وارد جزئیات تاریخ حوادث شود، نبرد توابین در عین‌الورده را به سال ۶۵ هـ ق. گـزارش کـرده‌اسـت و در پایـان آن آورده است: «و گفته‌شده که واقعه عین‌الورده در سال ۶۶ بوده است» (همان: ۹۳). همچنین او در کتاب التنبیه و الاشراف که آخرین اثر تاریخیـش می‌باشد و مدت‌ها بعد از کتاب سابق‌الذکر نگاشته شده‌اسـت (مسعودی، ۱۳۶۵: ۷–۸)؛ حادثهٔ توابین را ذیل حکومت مروان در سال ۶۵ هـ ق. و در هفت سطر آورده است (مسعودی، ۱۹۶۵: ۳۱۱). بدین ترتیب یعقوبی بدون آنکه تاریخ دقیقی به‌دسـت داده باشـد حادثـهٔ توابین را در زمان حکومت مروان ذکر می‌کند و البته در انتساب به قولی مجهول السند آن حادثه را بـه عصر عبدالملک بن مروان نیز نسبت داده است. مسعودی نیز در التنبیه حادثهٔ توابین را در ذیل حکومت مروان و در سال ۶۵ هـ ق. آورده است. اما در مروج الذهب، دیگر اثر خود در حالی که وقوع حادثـــه را در سال ۶۵ ذکر نموده؛ اما ذیل حکومت عبدالمـلک‌بن مـروان آن را شرح می‌دهد و البته در پایان بحث از توابین در اثر اخیر، قول مجهول الانتساب رخداد حادثه را در سال ۶۶ ذکر می‌کند.

محمدبن جریر طبری در گذشته بـه سـال ۳۱۰ هـــ ق. در جلـد چهـارم تـاریخ الأمـم و الملـوک مفصل‌ترین گزارش را مربوط به واقعه توابین ارائه کرده‌است. او در ذیل سال ۶۵ هـ ق. با ایـن عبـارت شرح حادثه را آغاز کرده: «قال ابوجعفر: و فی هذه الـسنه تحرکـت الـشیعه بالکوفـه واتعـدوا الاجتمـاع بالنخیله فی سنه ۶۵ للمسیر الی اهل الشام للطلب بدم الحسین بن علی و تکاتبوا فـی ذلـک» ابـوجعفر گوید: «و در این سال شیعیان در کوفه به جنبش در آمدند و وعده گذاشتند که در نخیله به سال ۶۵ هـ ق. برای حرکت به‌سوی شام برای خونخواهی حسین بن علی گرد هم آیند و در این بـاب نامـه‌نگـاری کردند (طبری، بی‌تا: ۴۲۶/۴).

طبری پس از آن در ده صفحه، از تجمعات توابین و سخنان سران آنها و نیز مواضع اولیـهٔ عبـدالله بن یزید، حاکم اعزامی از سوی عبدالله بن زبیر به کوفه، نسبت به توابین سخن به میان آورده‌است. او از نامهٔ سلیمان بن صرد به سعد بن حذیفه در مداین یاد می‌کند که از وی طلب یاری نموده و موعد تجمع خونخواهان امام حسین (ع) را در نخیله به تاریخ آغاز ربیع الأخر سال ۶۵ هـ ق. قرار می‌دهد (همـان: ۴۲۹). طبری پس از آنکه در چهارده صفحه بعد، از جدایی خوارج از ابن زبیر و نیز آمدن مختار به کوفه اطلاعاتی می‌دهد، بار دیگر به موضوع توابین برمی‌گردد و ذیل عنوان «ذکر الخبر عما کـان فیهـا مـن الاحداث الجلیله» (همان: ۴۵۱)، بیست و چهار صـفحه را بـه حـوادث تـوابین اختـصاص داده و شـروع حرکت آنها از کوفه به قصد شام را جمعه پنجم ربیع الاخر سال ۶۵ هـ ق. ثبت کرده (همان: ۴۵۶). او پس از بیان اولین مواجهه توابین به رهبری مسیب‌بن نجبه با نزدیک‌تـرین اردوی عبیـدالله‌بـن زیـاد و

هزیمت آنان، از آرایش جنگی عبیدالله بن زیاد به فرماندهی حصین‌بن نمیر و سخنان حصین بـن نمیـر قبل از مواجهه با توابین سخن به میان آورده‌است.

طبری از قول حمیدبن مسلم یادآور شده: «تا به روز چهارشنبه هشت روز مانده از جمـادی‌الأولـی، به‌سوی آنها رفتیم ... آنها خواستند که بر عبدالملک بن مروان اتفاق کنیم و به اطاعت او در آییم ما نیـز از آنها خواستیم که عبیدالله‌بن‌زیاد را به ما بدهند که او را به عوض تعدادی از برادران مقتولمان بکـشیم و عبدالملک‌بن مروان را خلع کنند و ما نیز کسانی از خاندان ابن زبیر را کـه در دیـار مـا بودنـد بیـرون نماییم. آنگاه این کار را به خاندان پیامبرمان که خدا از جانب آنها نعمت و حرمتمان داده باز ببریم؛ اما نه آنها پذیرفتند و نه ما پذیرفتیم» (همان: ۴۶۴). وی پس از شرح درگیری توابین و سپاه عبیدالله‌بن‌زیـاد و غلبهٔ شامیان بر توابین، از قول هشام از ابو مخنف و او از قول عبدالرحمن بن یزید بن جابر بیـان کـرده که: «ادهم بن محرز باهلی، خبر فتح را برای عبدالملک بن مروان آورد و عبدالملک برفراز منبر رفـت و پس از حمد و ثنای خدا گفت: «خداوند سلیمان‌بن‌صرد از سران فتنه آفرین عراق و رأس گمراهان را به هلاکت رساند» و شمشیرها سر مسیب بن نجبه راشکافت و از رؤسای آنهـا دو گمـراه و گمـراه کننـدهٔ بزرگ عبدالله بن سعد ازدی و عبدالله بن وال بکری را بکشت و بعد از آنها کـسی کـه بتوانـد دفـاع یـا مقاومت کند باز نماند (همان: ۴۷۰). او در پایان مطلب توابین، از کشته شدن سلیمان بن صرد و تـوابین همراه وی در عین‌الورده، در ماه ربیع الآخر یاد می‌کند (همان: ۴۷۴-۴۷۳) .

متأخرترین اثر متقدم در این‌باره، الکامل عزالدین‌علی‌بن‌اثیر (متوفی ۶۳۰ هــ ق.) اسـت. ابـن‌اثیـر تحت عنوان حوادث سال ۶۵ هـ.ق. به بیان لشکرکـشی تـوابین و کـشته شـدن آنهـا پرداختـه اسـت. اطلاعات تاریـخی داده شدهٔ ابن‌اثیر، همچـون دیگر حوادث قبل از سال ۳۰۰ هـ ق. به جهت بهره‌وری از اثر طبری، مشابه داده‌های طبری است. اما ابن‌اثیر از درگیری یاران سلیمان‌بن‌صـرد و سـپاه اعزامـی عبیـدالله بن زیاد پس از شکست اولیهٔ آنها از مسیب بن نجبه، در چهار روز مانده از جمادی الاولـی یـاد می‌کند و همان مذاکرات مذکور در طبری را در شرایط سپاه توابین مبنی بر خلـع عبـدالملک و تحویـل عبیدالله بن زیاد و در عوض اخراج زبیریان توسط شیعیان در منطقه خود و سـپس واگـذاری قـدرت بـه خاندان پیامبر یاد کرده‌است و از اظهار خوشحالی عبدالملک بن مروان پس از اطلاع بر قتل سلیمان بن صرد و یاران او سخن به میان آورده است. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۷/۴) در پایان ذکر حادثـه هـم آورده اسـت: «گویند کشته شدن سلیمان بن صرد و یاران او در ربیع‌الآخر واقع شـده اسـت» (همـان: ۱۰). بـر ایـن اساس طبری و ابن اثیر در حالی که زمان درگیری توابین و سپاه شـام را در روزهـــای پایـانی جمـادی الأول سال ۶۵ هـ ق. ذکر کرده اند اما از عبدالملک بن مروان به‌عنوان خلیفه وقـت یـاد مـی‌کننـد، در

حالی‌که برابر داده‌های تاریخی، عبدالملک بن مروان در این زمان مسند خلافت نداشته است. علاوه بر این قولی مجهول الانتساب را ذکر می‌کنند که حادثهٔ درگیری توابین و سپاه شام را نه در جمادی الاول ۶۵ هـ ق. بلکه در ربیع الاخر آن سال یعنی در همان ماهی یاد می‌کنند که توابین از کوفه حرکت کرده‌اند.

روش واکاوی داده‌های تاریخی

برای ارزیابی صحت و سقم زمان‌های مذکور در مورد حادثهٔ توابین در منابع متقدم تاریخ اسلام به دو شیوه می‌توان عمل نمود. یکی سنجش میزان سازگاری تاریخ‌های ارائه شده بر اساس داده‌های تاریخی در همان منبع تاریخی و مقایسه آن با دیگر کتب تاریخی متقدم است و دیگر بهره‌گیری از قراین و شواهد تاریخی در جستن محتمل‌ترین زمان حادثه است. برای اعمال شیوهٔ مذکور، با توجه به اینکه زمان داده شدهٔ حوادث پس از مرگ یزید بن معاویه تا روی کار آمدن مروان در منابع تاریخی از دقت و وثاقت لازم برخوردار نیست، ناگریز با مبنا قرار دادن «کنگره جابیه»، که زمان انتقال قدرت از شعبهٔ سفیانیان اموی به دسته مروانیان است، داده‌های تاریخی رصد می‌شوند تا بتوان بر اساس آنها زمان حادثه توابین را معلوم کرد. این نکته نیز شایان ذکر است که متأسفانه امروزه آثار راویان نزدیک به حادثهٔ توابین در اختیار نیست تا بتوان به جزئیات این واقعه دست یافت. بنابه نوشته محمدبن‌اسحق وراق معروف به ابن‌ندیم متوفی ۳۵۸ هـ ق. (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۶۶)، ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی متوفی حدود ۱۵۷ هـ ق. کتابی در باب حادثهٔ توابین تحت عنوان «کتاب سلیمان بن صرد و عین الورده» داشته است (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۵۷) علاوه بر آن ۳۱ کتاب دیگر نیز از وی یاد شده است که مربوط به فتوح، مقاتل و نیز شخصیت‌ها و حوادث صدر اسلام بوده‌اند (همان: ۸–۱۵۷؛ نجاشی، بی تا:۳۲۰). اگر کتاب‌های مزبور امروزه در اختیار بودند، کمک زیادی به شناخت حوادث تاریخی صدر اسلام از جمله؛ حادثهٔ توابین می‌نمود. بعلاوه ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی مشهور به غلابی، که یکی از راویان سیره و احداث و مغازی بوده‌است در کنار کتاب‌هایی چون وقعه صفین، کتاب الجمل و کتاب الحره، کتابی نیز تحت عنوان «کتاب التوابین و عین‌الورده» داشته است که امروزه در اختیار نیست (ابن‌ندیم،۱۳۶۶: ۱۷۹–۱۷۸). اگر چه در کتاب‌هایی چون تاریخ طبری و مروج‌الذهب مسعودی، به نوشته‌های ابومخنف استناد شده‌است اما میزان دقت ضبط روایات این منابع معلوم نیست؛ به عنوان مثال مسعودی در مروج‌الذهب نام کتاب ابومخنف را که ابن‌ندیم تحت

عنوان «کتاب سلیمان‌بن‌صرد و عین‌الورده» ثبت کرده است، با نام «اخبارالتوابین بعین الورده» نگاشته است (مسعودی،۱۴۰۴: ۳/ ۹۵).

شواهد زمانی مناسب برای تعیین زمان حادثۀ توابین

برای اعمال دو روش یاد شده جهت تعیین زمان حادثۀ توابین، ناگزیر باید به تاریخ بیعت، مدت حکومت و مرگ مروان و نیز زمان بیعت عبدالملک بن مروان پرداخت و با مقایسه زمان‌های داده شده، قول مختار را برگزید و معلوم داشت که زمان مرگ مروان و بیعت با عبدالملک بن مروان پس از او در چه زمانی رخ داده است، تا معلوم شود که حادثۀ توابین در عصر عبدالملک بوده‌است یا دوره حکومت مروان.

زمان بیعت مروان

کنگرۀ جابیه که براساس آن مروان به حکومت امویان برگزیده شد، در چهارشنبه سوم ذی‌القعده سال ۶۴ (طبری، بی‌تا: ۴۱۲/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴۸۰/۳، ۴۷۸؛ ابن‌سعد، ۱۳۲۲: ۱۶۷/۵) یا پنجشنبه چهارم ذی القعده همان سال (طبری :۴۱۵/۴) صورت گرفته است. طبری به نقل از موسی بن یعقوب روز بیعت با مروان را در روز برگزاری کنگرۀ جابیه در سوم ذی القعده سال ۶۴ هـ ق. دانسته‌است؛ قولی که ابن‌اثیر با آن موافقت دارد (همان: ۴۱۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴۸۰/۳، ۴۷۸). اما طبری دردو قول دیگر که یکی به نقل از حسان‌بن‌مالک است، روز پنجشنبه چهارم ذی القعده را به‌عنوان روز بیعت با مروان یاد کرده‌است (طبری: ۴/ ۴۱۵) و به نقل از محمد بن‌عمر واقدی محرم سال ۶۵ هـ ق. را زمان بیعت با مروان بن‌حکم دانسته‌است (همان: ۴۱۲). مؤلف البدء و التاریخ بدون اینکه به روز و ماه بیعت مروان اشاره نماید، زمان بیعت مروان را سال ۶۴ هـ ق. نوشته‌است (مقدسی، ۱۳۸۶: ۹۱۰/۲)، اما صاحب التنبیه و الاشراف قول نادر رجب سال ۶۴ هـ ق. را به عنوان تاریخ بیعت با مروان یاد کرده-است (مسعودی، ۱۹۶۵؛ التنبیه: ۳۰۷) قولی که با دیگر داده‌های این اثر ناسازگار است؛ زیرا او مرگ مروان را پس از نه ماه و چند روز حکومت، در روز سوم ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. دانسته‌است (همان: ۳۱۱) و زمان بیعت با عبدالملک بن مروان را ماه رجب سال ۶۵ هـ ق. نگاشته‌است (همان: ۳۱۲) بر این اساس ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. را از آن جهت که قبل از کنگرۀ جابیه است، نمی‌توان به منزلۀ زمان بیعت با مروان به‌عنوان خلیفه پذیرفت؛ به‌علاوه میان ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. که مسعودی در التنبیه آن را به‌عنوان زمان بیعت با مروان ذکر کرده‌است، تا رمضان سال ۶۵ هـ ق.که

همان اثر به‌عنوان زمـان مرگ مروان آورده‌است، حداقـل ۱۳ ماه و سه روز، فاصـله است نه آنچـه کـه صاحب التنبیـه به‌عنـوان نه ماه و چند روز دوره حکومتی مـروان یاد کرده‌است؛ لذا قول ماه رجب سـال ۶۴ هــ ق. به‌عنوان زمان بیعت با مـروان درسـت نمـی‌نمایـد (همـان: ۳۱۱). دربـارۀ زمـان بیعـت بـا عبدالملک بن مروان نیز، دیگر منابع تاریخی از جمله اثر دیگر خود مسعودی به نام مـروج الـذهب، کـه قبل از التنبیه به رشته تحریر در آمده است، زمان بیعت با عبدالملک را مـاه رمـضان سـال ۶۵ هــ ق. نوشته است (مسعودی، ۱۴۰۴، مروج الذهب: ۹۱/۳؛ طبری: ۴۷۴/۴؛ یعقـوبی، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۸۷؛ ابـن‌اثیـر، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۴– ۱۳؛ ابن سعد، ۱۳۲۲: ۱۶۸/۵). البته مسعودی در مروج‌الـذهب از بیعـت گـرفتن مـروان برای دو پسرش عبدالملک و عبدالعزیز سه ماه قبل از مرگش نیز سـخن رانـده‌اسـت (مـسعودی،۱۴۰۴: ۸۹/۳) بنابراین اگر مراد از بیعت با عبدالملک را نه پس از مرگ مروان، بلکه بیعت‌گیـری مـروان بـرای پسرانش قبل از مرگ او محسوب داریم؛ باز هـم طـول نـه مـاه و چنـد روز منقـول در التنبیـه درسـت نمی‌نماید، براین اساس سخن مـسعودی در کتـاب التنبیـه در مـورد زمـان بیعـت مـروان بـن حکـم و عبدالملک بن مروان از وجاهت علمی برخوردار نیست و بدین‌ترتیب با خروج تاریخ ماه رجـب سـال ۶۴ هـ ق. از مجموعه تاریخ‌های داده‌شده در مورد زمان بیعت با مروان، می‌بایست فاصلۀ زمانی میان بیعت مروان در جابیه و مرگ وی و مدت ذکر شده در تواریخ را دربارۀ طـول مـدت حکمرانـی مـروان مـورد مقایسه و سنجش قرار داد، تا دورۀ حکومتی مروان معلوم گردد. مسعودی که در کتاب التنبیه خود زمان وفات مروان را سوم رمضان سال ۶۵ هـ ق. نگاشته است، در مروج الذهب، کتاب دیگر خود، بـه سـال ۶۵ هـ ق. قمری به‌عنوان سال وفات مروان بسنده کرده‌است و روز و ماه واقعه را متذکر نشده‌است؛ اما بیعت عبدالملک بن مـروان را در شـب یکـشنبه اول مـاه رمـضان سـال ۶۵ هــ ق. ذکـر کـرده‌اسـت (مسعودی، ۱۴۰۴: ۹۱/۳) و با توجه به قول یعقوبی که بیعت عبـدالملک را در شـب همـان روزی ذکـر می‌کند که مروان از دنیا رفته‌است (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۲۰۷/۲)؛ مرگ مروان را باید اول ماه رمـضان سـال ۶۵ هـ ق. دانست؛ قولی که طبری نیز با آن همداستان است (طبری: ۴۷۴/۴) و مـی‌تـوان قـول دیگـر طبری به نقل از ابو جعفر و مستند به گفتۀ واقدی و نیز نوشتۀ ابن‌اثیر را در ذکر ماه رمـضان بـه‌عنـوان ماهی که مروان در آن فوت کرده‌است بر تاریخ اول رمـضان منطبـق دانـست (همـان: ۴۷۵؛ ابـن‌اثیـر، ۱۴۰۷: ۱۳/۴). یک قول در روایت سال مرگ مروان نیـز روایتـی واحـد اسـت و آن قـول اخبـارالطوال دینوری است که سال مرگ مروان را سال ۶۶هـ ق. قمری یاد کرده‌است (ابوحنیفه دینوری، بی تا: ۳۳) ولی این قولی است که با نظر داشتن زمان بیعت مروان و طول مدت نه ماهه‌ای که خود دینوری بـرای حکومت او یاد می‌کند، (همانجا) سازگاری ندارد.

همچنین باید توجه داشت که دینوری چندان توجهی به ذکر دقیق حوادث ندارد و به‌علاوه با امویان بر سر مهر نبوده‌است و این بی‌مهری در ذکر تفصیلی وقایع مخالفان امویان و عدم واکاوی حوادث مربوط به امویان بخوبی نمایان است. به‌عنوان مثال؛ او از حکومت معاویه بن یزید یاد نمی‌کند و در آغاز حکومت مروان سخنی ندارد و فقط به ذکر مدت حکومت او می‌پردازد. مطالعهٔ آماری صفحاتی که دینوری به حوادث مربوط به مخالفان مؤثر و سرشناس امویان اختصاص می‌دهد، این حقیقت را آشکار می‌سازد؛ چنان که در ذکر حکومت ۱۲ سالهٔ عثمان، فقط یک و نیم صفحه را به آن اختصاص داده و در همان حال در هفتاد و شش صفحه، به تفصیل به حکومت چهار سال و نه ماههٔ امام علی (ع) می‌پردازد یا به حکومت نزدیک به بیست سالهٔ معاویه، فقط در نُه صفحه پرداخته‌است و در همان حال به حادثهٔ چند ماههٔ امام حسین (ع)، در سی و چهار صفحه و به حرکت عبدالله بن زبیر و مختار در نُه سالهٔ میانهٔ سال‌های ۶۴ تا ۷۳ هـ ق. سی و شش صفحه اختصاص داده است و در جمع از (۲۹۳) صفحه نگاشته شده مربوط به تاریخ اسلام که تا مرگ معتصم در سال ۲۲۷ هـ ق. را شامل شد، ۱۴۶صفحه به هجده سالهٔ عصر امام علی (ع) و امام حسین و حرکت مختار و زبیر پرداخته و فقط ۱۴۷ صفحه را به صد و نود و هشت سال باقیماندهٔ پس از رحلت پیامبر خاتم (ص)، اختصاص داده‌است.

براساس مطالب پیشین، بیعت با مروان را می‌بایست در فاصلهٔ زمانی سوم ذی القعده سال ۶۴ هـ ق. تا محرم سال ۶۵ هـ ق. دانست و با توجه به روز مرگ او در اول رمضان ۶۵ هـ ق. به ارزیابی زمان‌های داده شده در طول حکومت مروان پرداخت. دربارهٔ طول حکومت مروان شش قول در منابع تاریخی موجود است که عبارتند از: هفت ماه و چند روز (مقدسی، ۱۳۸۶: ۹۱۰/۲)، مسعودی در دو اثر خود اقوال هشت ماه (مسعودی،۱۴۰۴ مروج الذهب: ۸۹،/۳) هشت ماه و پنج روز (همان: ۲۳۴) نه ماه و چند روز (همان: ۸۹؛ مسعودی، التنبیه، ۱۳۶۵: ۳۱۱) را آورده است همچنین نه ماه (ابوحنیفه دینوری: ۲۸۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۷۴؛ طبری: ۴/ ۴۷۵) و ده ماه و سه روز کم (طبری: ۴۷۵/۴) نیز گفته شده است. از منابع تاریخی که در هر سه مورد: زمان بیعت مروان، مرگ مروان و زمان بیعت عبدالملک مروان؛ تاریخ روز و ماه و سال موارد یاد شده را ذکر نموده‌اند، فقط تاریخ طبری قابل ذکر است؛ زیرا مسعودی در کتاب التنبیه خود ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. را زمان بیعت مروان ذکر کرده‌است که ادعای او در سطور قبل نامقبول تشخیص داده‌شد. مقدسی بدون ذکر ماه و روز، زمان بیعت را سال ۶۴ هـ ق. یاد کرده‌است. دیگر منابع نیز راجع به روز بیعت مروان سخنی ندارند. با توجه به اینکه مرگ مروان در اول ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. دانسته‌شد؛ لذا تنها مورخی که سخنش براساس داده‌های زمانی در سه

مقطع یاد شده، بر طول حکومت مروان تطبیق می‌نماید، نوشتهٔ طبری و ذکر مدت ده ماه و سه روز کم می‌باشد که از روز چهارم ماه ذی القعدهٔ سال ۶۴ هـ ق. آغاز و به اول ماه رمضان ۶۵ هـ ق. ختم می‌شود.

قول دیگر طبری که زمان بیعت مروان را ماه محرم سال ۶۵ هـ ق. ذکر کرده‌است، با طول مدت حکومت ذکر شده توسط خود او تطبیق نمی‌کند؛ زیرا چنانچه روز بیعت را حتی اول محرم محسوب داریم. تا رمضان آن سال طول زمانی هشت ماهه‌ای را شامل می‌شود که در هیچ‌یک از اقوال طبری نیست. مسعودی در یکی از اقوالش همین مدت زمانی هشت ماهه را برای حکومت مروان ذکر می‌نماید؛ اما مدت حکومت مذکور نه با آنچه در کتاب التنبیه او آمده، سازگار است و نه در کتاب مروج الذهب خود که قول هشت ماههٔ حکومت مروان را آورده، برای روز بیعت مروان تاریخی ذکر کرده است.

با توجه به اینکه روز بیعت با عبدالملک همان روزی بوده‌است که مروان از دنیا رفته، بنابراین اول رمضان سال ۶۵ هـ ق. روزی است که عبدالملک بن مروان، بجای پدرش بر سریر قدرت نشسته است. براین اساس می‌توان اطلاعات راجع به زمان قیام توابین را مورد مداقه قرار داد و از آن میان به این نتیجه رسید که کدامیک از زمان‌های مذکور در اول مقاله، پذیرفتنی‌تر است. برای این منظور می‌بایست از استناد به منابعی که به‌طور عام، حادثهٔ توابین را در سال ۶۵ یا۶۶ هـ ق. ذکر کرده‌اند و یا به وقوع آن در عصر مروان یا عبدالملک پرداخته‌اند، اجتناب نمود و سراغ منابعی را گرفت که اطلاعات حوادث توابین را جزیی‌تر و دقیق‌تر ذکر کرده‌اند و براساس آن اطلاعات، زمان قیام توابین رامورد واکاوی قرار داد.

سال وقوع حادثهٔ توابین

متقدم‌ترین منبع تاریخی موجود که به‌طور مشروح و با ذکر جزئیات به حادثهٔ توابین پرداخته است، کتاب تاریخ‌الأمم و الملوک طبری است. طبری تصریح می‌کند که چون هلال ماه ربیع‌الاخر به سال ۶۵ هـ ق. دیده شد، سلیمان بن صرد و یارانش در اردوگاه نخیله گرد هم آمدند (طبری: ۴۵۱/۴؛ نیز نک. ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/ ۳؛ ابن‌سعد، ۱۳۲۲: ۳۰/۵) و شامگاه جمعه پنجم ربیع الاخر، از نخیله به قصد شام حرکت کردند (طبری: ۴۵۶/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/۴) در مدت اقامت سلیمان بن صرد و همراهانش در نخیله، از رایزنی عبدالله بن یزید خطمی والی عبدالله بن زبیر و نیز ابراهیم بن محمد بن طلحه عامل

خراج او با سلیمان بن صرد و تلاش آن دو نفر در باز داشتن سلیمان از عزیمت به سوی شام سخن به‌میان آمده‌است (طبری: ۴۵۴/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/۴) و این همان مطلبی است که در شعر اعشی همدان بدان اشاره شده‌است (طبری:۴۷۳/۴ –۴۷۲؛ ابن‌اثیر،۱۴۰۷: ۱۱/۴–۱۰).

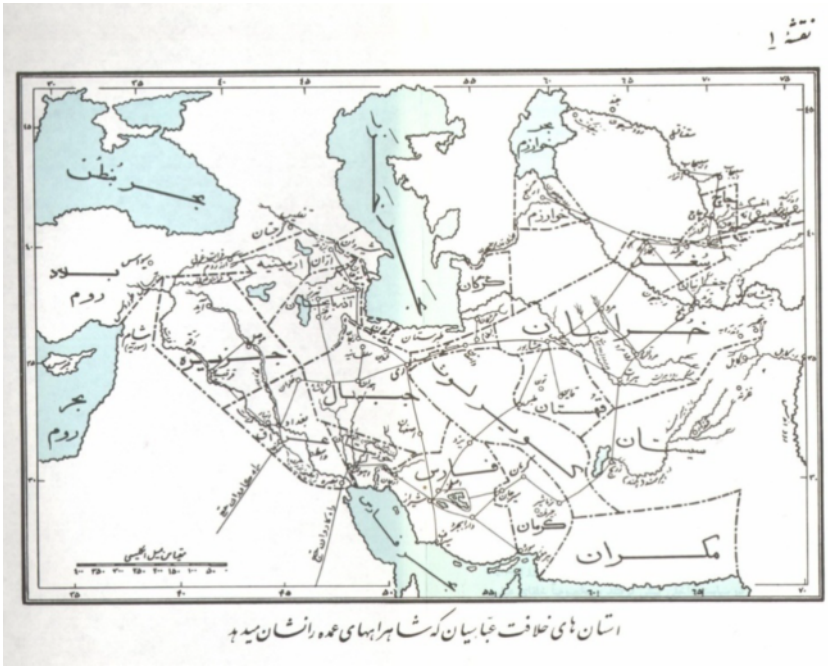
همچنین هنگامی که سلیمان به منزل قیاره رسید، فرستادهٔ عبدالله بن یزید با نامه‌ای از او نزد سلیمان آمد. در این نامه عبدالله بن یزید بار دیگر خواستار تأخیر تصمیم سلیمان و یارانش در عزیمت به شام گردیده بود تا به اتفاق یکدیگر علیه امویان اقدام نمایند؛ اما سلیمان از همراهی با عبدالله بن یزید سر باز زد (طبری: ۴۵۸/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۵/۴). داده‌های طبری و ابن‌اثیر حاکی از آن است که عبدالله بن یزید، حاکم عبدالله بن زبیر در کوفه تا پنج روز مانده از ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. که عبدالله بن مطیع به جای وی از سوی ابن زبیر حاکم کوفه گردیده‌است، در این شهر به‌سر می‌برده‌است (طبری: ۴۸۳/۴، ۴۸۹؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۸/۴). از دیگر سو می‌دانیم که مختار بن ابی‌عبیدهٔ ثقفی در زمان حکومت عبدالله بن یزید خطمی، از زندان کوفه آزاد شد (طبری: ۴۸۸/۴؛ ابن‌اثیر،۱۴۰۷: ۲۷/۴) و او هنوز در زندان بود که قیام توابین به انجام رسیده بود و رفاعه بن شداد بجلی به کوفه بازگشته بود و مختار از زندان به او نامه نوشت و او را به همراهی خود طلبید (طبری: ۴۷۱/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/ ۲۷، ۹). لذا با توجه به شروع حکومت عبدالملک بن مروان از اول ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. و پایان کار توابین قبل از به خلافت رسیدن عبدالملک بن مروان آشکار است که قیام توابین در عصر حکومت مروان بوده است نه عبدالملک بن مروان.

از مسلمات تاریخ است که قیام مختار، بعد از قیام توابین رخ داده است و آن طور که طبری گزارش کرده است؛ مختار در صدد بود که در ماه محرم سال ۶۶ هـ ق. قیام خویش را آغاز کند (طبری: ۴۹۱/۴ ؛ ابن اثیر،۱۴۰۷: ۲۹/۴)، اما به‌واسطهٔ فراهم نیامدن شرایط، در روز پنجشنبه چهاردهم ماه ربیع‌الاول سال ۶۶ هـ ق. قیام خود را آغاز کرد (طبری: ۴۹۶/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۷/۴). بر اساس آنچه نوشته شد، اطلاعاتی را که طبری و ابن اثیر راجع به شرایط توابین در خلع عبدالملک و یا اظهار خوشحالی عبدالملک پس از اطلاع بر قتل سلیمان بن صرد نگاشته‌اند، چنانچه نسخه‌های چاپی تاریخ طبری برابر با اصل نسخه خطی باشد، می‌بایست خطایی در نگارش مطلب دانست و یا تصحیفی برشمرد که نسخه‌نویسان بعدی کتاب طبری، روا داشته‌اند و در نسخهٔ اصلی نوشتهٔ طبری نام مروان بوده‌است، نه عبدالملک بن مروان. لازمهٔ تشخیص چنین مطلبی، مقاله‌ای مستقل است که با واکاوی در نسخه‌های خطی طبری و ابن‌اثیر احتمال دست‌یابی به آن است. بنابر آنچه گفته شد، قیام توابین در سال ۶۵ هـ ق. بوده‌است.

ماه وقوع حادثه توابین

اما اینکه حادثهٔ توابین در ربیع الآخر سال ۶۵ هـ ق. رخ دادهاست یا جمادیالأولی آن سال، قـول نخست پذیرفتنی نمینماید؛ چرا که با توجه به حرکت توابین در پنجم ربیـعالثـانی از کوفـه و محاسـبهٔ زمان لازم طی مسیر آنها تا عینالورده (رأسالعین)، به نظر نمیرسد؛ آنها توانسته باشند در همان ماه به محل جنگ برسند و به پیکار بپردازند. مسیری را که توابین از کوفه تا عینالورده طی نمودهاند، به شرح زیر است: نخیله، دیر اعور، اقساس مالک، کربلا، حصاصه، انبار، صدود، قیاره، هیت، قرقیسیا، عینالورده، (طبری: ۴۶۲/۳-۴۵۶). این مسیر تا قرقیسیا همان مسیری است که امام علی (ع) در جنگ صفین طـی کردهاند (ابناعثم، ۱۳۸۶: ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۴ ؛ ابـنمـزاحم، ۱۳۶۶: ۱۸۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۳-۲۰۲،۲۱۶). بنابر منابع مـوجود، حرکت امام عـلی (ع) از کـوفه تا صـفین، از پنجم ماه شـوال تا دو روز مانده به ماه ذیحـجه سـال ۳۶ هـ ق. یعنی حداقل پنجاه و یک روز طـول کشـیدهاست. (ابن مزاحم، ۱۳۶۶: ۱۸۳؛ مسعودی،۱۴۰۴: ۳۷۷/۲، ۳۷۴؛ طبری: ۵۷۰/۳ – ۵۷۱؛ یعقـوبی، ۱۴۱۳: ۸۷/۲؛ ابـن اثیـر، ۱۴۰۸: ۵۴/۴) آنطور که از نقشههای موجود بر میآید، طول مسیر پس از قرقیسیا تا عینالورده، بیشتر از مسیر قرقیسیا تا صفین است (ر.ک: اطلس شیعه، جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۹؛ مقایـسه شـود بـا لـسترنج،۱۳۶۴، نقـشههـای ۳،۲،۱پیوست)؛ چرا که شهر رقه، محل تلاقی راه قرقیسیا به رأسالعین و قرقیسیا به صـفین اسـت و از رأس العین تا رقه چهار روز راه بوده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۹۲ ؛ استخری، ۱۳۶۸: ۷۶)، در حـالی کـه از رقه تا صفین که میانه رقه و بالس قرار دارد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۹۳؛ استخری،۱۳۶۸: ۷۸، ۲۵؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۶) حدود یک روز راه است زیرا فاصلهٔ رقه تا بالس دو روز راه بـودهاسـت (جیهـانی:۹۱) و بـا توجه به دادههای منابع جغرافیایی که فاصله رقه تـا انبـار را بیـست مرحلـه یـا منـزل ذکـر نمـودهانـد (جیهانی:۲-۹۱؛ استخری: ۷۶)، حتی اگر فاصله انبار تا کوفه را به حساب نیـاوریم بلکـه حـداقل فاصـلهٔ میان بالس و کوفه را که بیست منزل گزارش شده است، (جیهانی:۵۲) منظور داریم فاصلهٔ میان کوفه و رأسالعین (عینالورده) ۲۴ منزل یا ۲۴ روز خواهد بود و با توجه به اینکه هر مرحله یـا منـزل حـدود ۷ تا۱۰ فرسنگ بوده است (یعقوبی، البلدان، ۲۵۳۶: ۸۷؛ مقدسی،۱۳۶۱: ۱۵۰/۱) بدان معناست کـه فاصـلهٔ مزبور بر اساس محاسبهٔ هر فرسخ معادل شش کیلـومتر حـدود ۱۰۰۸ تـا ۱۴۴۰ کیلـومتر راه را در بـر میگرفتهاست و حتی اگر مبنای محاسبهٔ فرسخ را فرسخ شرعی یعنی ۵/۵ کیلومتر محاسبه نماییم میانه ۹۲۴ تا ۱۳۳۰کیلومتر راه خواهد بود. بنابراین از نظر مدت زمان روز لازم برای پیمـودن مـسیر، امکـان رسیدن توابین به محل نبرد در ماه ربیعالاخر نبودهاست. زیرا چنانچه ۲۴ روز را به پـنجم ربیـعالاخرکـه

روز حرکت توابین است (طبری: ۴۵۶/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/۴) اضافه کنیم به پایان ماه ربیع‌الآخر می‌رسیم علاوه بر این توابین در طول مسیر تلاش داشته‌اند که از بین مردمی که در مسیرشان بودند کسانی را برای پیوستن به خود دعوت کنند همچنین در منابع تصریح شده‌است که توابین پس از رسیدن به عین‌الورده، پنج روز منتظر ماندند تا درگیری آغاز شد (طبری: ۴۶۲/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۶/۴). هم چنین در طول مسیر کوفه تا عین‌الورده نیز حداقل از دو توقف مدت دار توابین سخن رفته است. یکی اقامت یک شبانه روزی آنها برسر قبر امام حسین (ع) (طبری:۴۵۷/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/۴) و دیگری اقامت یک روزه در قرقیسیا و مذاکرات آنها با زفر بن حارث کلابی حاکم زبیری آن (طبری: ۴۶۰/۴؛ ابن‌اثیر،۱۴۰۷: ۶/۴). مدت جنگ توابین با سپاه عبیدالله بن زیاد در محل عین‌الورده را نیز سه روز گزارش کرده‌اند (طبری: ۴۶۵/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۶/۴). بر این اساس ده روز نیز به طول مدت مسیر اضافه می‌گردد و اگر ماه ربیع‌الآخر را سی روزه محاسبه کنیم با محاسبهٔ سفر عادی، نهم جمادی‌الاولی پایان کار توابین است ولی آشکار است که انتقال حداقل چهار هزار نفر سپاه، بسیار کندتر از مسافرت قوافل سیاحتی و یا تجارتی بوده است که ذکر منازل و مراحل مسافرت بر اساس آن صورت می‌گرفته است.



استان‌های خلافت عباسیان در شش اقلیم عمده نشان داده شده

نقشه ۲



استان عراق و خوزستان و قسمتی از استان جزیره

نقشه ۳



استانهای شمال غربی و جزیره و آذربایجان

نتیجه

بر اساس داده‌های منابع تاریخی و جغرافیایی و محاسباتی که به‌عمل آمد، اقوالی چون رخداد حادثهٔ توابین در سال ۶۶ هـ ق. و یا در ربیع‌الآخر سال ۶۵ هـ ق. درست نمی‌نماید و با توجه به آغاز حرکت توابین در پنجم ربیع‌الثانی سال ۶۵ هـ ق. از کوفه و محاسبه طول مسیر بر اساس ذکر منازل و مسافت‌های طول مسیر در منابع کهن جغرافیایی، و با نظر داشتن فاصلهٔ زمانی میان حادثه توابین در سال ۶۵ و هـ ق. ذکر طول راهها در مآخذ قرون سوم و چهارم به بعد که قاعدتاً می‌بایست وضعیت راه‌ها بهتر و احتمالاً کوتاه‌تر از عصر توابین شده باشند، رخداد حادثهٔ توابین در عصر مروان و در جمادی الاولی سال ۶۵ هـ ق. پذیرفتنی به نظر می‌رسد، اما میان هشت روز و یا چهار روز مانده از جمادی‌الاولی به‌عنوان روز آغاز نبرد، بواسطهٔ در اختیار نداشتن قرینه‌ای، نمی‌توان گزینشی صورت داد.

منابع

ابن‌اثیر، عزالدین‌علی‌بن‌محمد (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م) الکامل فی التاریخ. المجلدالثالث، الطبعه‌الاولی. تحقیق ابی-الفداءعبدالله القاضی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ـــــــــــــــــــــــ(۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م) الکامل فی التاریخ. المجلدالرابع. الطبعه الاولی. راجعه و صححه الدکتور محمد یوسف الدقاق. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن اعثم کوفی، ابومحمداحمدبن‌علی (۱۳۸۶) الفتوح. چاپ چهارم. ترجمه محمدبن‌احمد مستوفی هروی. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن بکار، ابوعبدالله‌زبیر (۱۳۸۶) الاخبار الموفقیات. چاپ اول. ترجمه اصغر قائدان. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

ابن‌سعد(کاتب واقدی)، محمد (۱۳۲۲ ق) الطبقات الکبیر. الجزءالرابع. به تصحیح و طبع الدکتوریولیوس لپرت. تهران: منشورات مؤسسه النصر.

ـــــــــــــــــــــــ(۱۳۲۲ ق) الطبقات الکبیر. الجزءالخامس. به تصحیح و طبع الدکتور سترستین. تهران: منشورات مؤسسه النصر.

ـــــــــــــــــــــــ(۱۳۵۷) طبقات. جلد ۵. چاپ اول. ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.

ابن‌مزاحم منقری، نصر (۱۳۶۶) پیکار صفین. چاپ اول. ترجمه پرویز اتابکی. به تصحیح و شرح عبدالسلام محمد هارون. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ابن ندیم، محمد (۱۳۶۶) کتاب الفهرست. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: امیر کبیر.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸) مسالک و ممالک. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

جعفریان، رسول (۱۳۸۹) اطلس شیعه. چاپ سوم. تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

جیهانی، ابوالقاسم‌بن‌احمد (۱۳۶۸) اشکال العالم. چاپ اول. ترجمه علی‌بن‌عبدالسلام کاتب. مشهد: شرکت به نشر(آستان قدس رضوی).

دینوری، ابن‌قتیبه (۱۳۸۴) الامامه و السیاسه. چاپ دوم. ترجمه سید ناصر طباطبایی. تهران: ققنوس.

دینوری، ابوحنیفه‌احمدبن‌داود (بی تا) اخبار الطوال. تحقیق عبدالمنعم عامر. بغداد: مکتبه المثنی.

زرین‌کوب عبدالحسین (۱۳۶۳) تاریخ ایران بعد از اسلام. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیر کبیر.

طبری، ابوجعفرمحمدبن‌جریر (بی تا) تاریخ الامم و الملوک. الجزءالثالث و الرابع. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

لسترنج (۱۳۶۴) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. چاپ دوم. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
مسعودی، ابوالحسن‌علی‌بن‌حسین‌بن علی (۱۹۶۵) کتاب التنبیه و الاشراف. بیروت: مکتبه خیاط.
ـــــــــــــــــــــــــــ(۱۳۶۵) التنبیه و الاشراف. چاپ دوم. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
ـــــــــــــــــــــــــــ(۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش) مروج الذهب و معادن الجوهر. الجزءالثانی و الثالث. الطبعه الثانیه. قم: دارالهجره.
مقدسی، ابوعبدالله‌محمدبن‌احمد، (۱۳۶۱) احسن التقاسیم. بخش اول. چاپ اول. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
مقدسی، مطهربن‌طاهر (۱۳۸۶) البدءوالتاریخ(آفرینش و تاریخ). جلد دوم. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران:انتشارات آگاه.
مولف نامعلوم (۱۳۶۲) حدود العالم من المشرق الی المغرب. به کوشش دکتر منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
نجاشی، ابوالعباس‌احمدبن‌علی‌بن احمدبن‌عباس (بی تا) رجال. التحقیق السید موسی الشبیری الزنجانی. قم: موسسه النشر الاسلامی.
یعقوبی، ابن واضح (۲۵۳۶) البلدان. چاپ سوم. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
ـــــــــــــــــــــــــــ (۱۹۹۳/۱۴۱۳م) تاریخ الیعقوبی. المجلدالثانی. الطبعه الاولی. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.